

* طلبه سطح ۳ مرکز تربیت مدرس صديقه كبرى (س) قم

مقدمه

امری که در زندگی خانوادگی مؤثر و توجه به آن لازم است، رعایت اصول و رفتارهای اخلاقی است. هیچ زندگی خانوادگی را نمی توان با زور قانون و سر نیزه و نیروهای نظامی و جسمی و زندان، گرم و صمیمی نمود.

بلکه آن چه می تواند برای ادامه زندگی امیدوار کننده باشد، رفتار پسندیده و انسانی طرفین است. اما با این حال ممکن است به هر دلیل دو همسر احساس کنند که قادر به ادامه حیات زناشویی نیستند و ادامه زندگی مشترک آن ها نه تنها موجب آرامش و انجام کارکردهای مثبت یک خانواده متعادل نیست؛ بلکه به آسیب های روانی و اجتماعی و بروز رفتارهای نابهنجار می انجامد و در چنین شرایطی که همه ی راه های اصلاح حفظ بنیاد خانواده به بن بست می رسد، جدایی زن و شوهر، راه حلی برای خاتمه مشکلات و تیدگی های اعضا ی خانواده است.

در این صورت دین اسلام به عنوان آخرین راه حل برای خاتمه دادن به مشکلات خانوادگی طلاق را روا دانسته است؛ زیرا اسلام با وجود اینکه طلاق را نمی پسندد و آن را مبغوض و منفور تلقی می کند اما آن را به طور کلی منع نکرده است؛ بنابراین در این پژوهش برآنیم تا با بهره گیری از آیات و روایات اصول اخلاقی زوجین در حین طلاق و بعد از طلاق را به روش کتابخانه ای مورد بررسی قرار دهیم. بر این اساس اصول اخلاقی زوجین را در دو قسمت حین طلاق و بعد از طلاق را پی می گیریم.

۱. اصول اخلاقی زوجین در حین طلاق

۱.۱. حفظ اسرار و عیوب همسر

در خانواده زن و شوهر به دلیل ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر، به تدریج با عیب و نقص های همدیگر آگاه می شوند.

از این روزن و شوهر باید عیب های هم را بپوشانند؛ (حیدری، ۱۱۶) خداوند نسبت همسران را به یکدیگر مانند نسبت لباس و تن می داند؛ آن جا که می فرماید:

«هِنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» [بقره ۲: ۸۷] زنان و شما لباس یکدیگر هستید.

لباس از یک سو انسان را از سرما و گرما و خطر می پوشاند از سویی دیگر زینتی است برای تن آدمی. در زندگی مشترک زن و شوهر یکدیگر را از انحرافات حفظ می کنند و عیوب همدیگر را می پوشانند و مایه آرامش یکدیگرند و همچنین زینت هم محسوب می شوند. (شیرازی، ۱: ۶۵۰)

زوجین هنگام اختلاف و طلاق نباید عیوب یکدیگر را نزد دیگران بازگو کنند، حتی برای این که رضایت والدین خود را برای طلاق کسب کنند عیوب همسر خود را نمی توانند بیان کنند؛ چرا که کسی در پی لغزش برادر مؤمنش باشد، خدا در پی لغزش او خواهد بود.

در این رابطه پیامبر اکرم ۹ می فرماید:

«لَا تَطْلُبُوا عَوْرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا تَتَّبِعُوا عَثَرَاتِهِمْ؛ فَإِنَّ مَنْ اتَّبَعَ عَثْرَةَ أَخِيهِ اتَّبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ وَمَنْ اتَّبَعَ اللَّهُ عَثْرَتَهُ فَصَحَّحَهُ وَلَوْ فِي جُوفِ بَيْتِهِ؛ بِهِ دَنْبَالُ عَيْبِ هَآئِ الْمُؤْمِنَانِ لَا تَشِيدُ وَدَرْ لَغْزَشِ هَآئِ أَنْوَاجِ تَجَسَّسِ؛ نَكْنِيْدُ؛ چْرا که کسی در پی لغزش برادر مؤمنش باشد، خدا در پی لغزش او باشد رسوایش خواهد کرد؛ هر چند در اندرون خانه اش باشد.» (کلینی، ۴: ۷۸)

شخصی که عیب و اسرار همسر خود را بیان می کند آتش انتقام و دشمنی را در فرد بر می افروزد و برای همیشه دید بقیه افراد نسبت به او تغییر خواهد کرد، حتی شاید نتواند تا آخر عمر ازدواج کند؛ بنابراین از اخلاق به دور است که شخص عیوب و اسرار همسر خود را فاش کند.

۲.۱. پرداخت کالا به زن

دادن هدیه به زن هنگام طلاق از مکارم اخلاق شمرده می شود، چرا که پرداخت هدیه به زن مصداقی از بخشش و سخاوت است.

رسول خدا ۹ فرمود: «سخاوت، درختی از درختان بهشت است، هر کس که شاخه ای از آن را بگیرد، نجات می یابد.» از ایشان پرسیدند: برترین اعمال کدام است؟ فرمود: «سخاوت و خوش اخلاقی، پس از این دو جدا نشوید تا سعادت یابید.» (دیلمی، ۲: ۱۳۸)

بدین ترتیب از روایت فهمیده می شود که سخاوت قید و قيودی ندارد بلکه در هر زمان از جمله در هنگام طلاق، انسان سخاوت داشته باشد به سعادت می رسد.

شاید تصور شود که پرداخت مهریه همان پرداخت کالا به زن باشد؛ در حالی که چنین نیست زن و

مردی که قصد ازدواج با هم دارند و مهریه تعیین می کنند باید مرد از همان اوایل ازدواج مهریه را پرداخت کند اما در عصر کنونی تا زمان طلاق فرا نرسد مهریه ای به زن پرداخت نمی شود، حاصل آن که افزون بر پرداخت مهریه از روی طیب نفس، بهتر است هدیه ای به همسر عطا شود تا با رضایت تمام از هم جدا شوند.

خدای متعال می فرماید: «وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتاعُ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ» [بقره ۲: ۲۴۱] مردان، زنانی را که طلاق دهند به چیزی بهره مند کنند، که این کار سزاوار مردم پرهیزکار است. این از جمله دستورهای کاملاً انسانی است که در اسلام وارد شده و برای پیشگیری از انتقام جویی ها و کینه توزی های ناشی از طلاق، اثر مثبتی دارد.

۳،۱. نیکو جدا شدن

«الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» [بقره ۲: ۲۲۹] طلاق دو مرتبه است، پس چون طلاق داد یا رجوع کند به سازگاری و یا رها کند به نیکی، و حلال نیست که چیزی از مهر آنان به جور بگیرید، مگر آن که بترسید حدود دین خدا را راجع به احکام ازدواج نگاه ندارند، در چنین صورت زن هر چه از مهر خود به شوهر ببخشد بر آنان روا باشد.

این احکام، حدود دین خداست، از آن سرکشی مکنید و کسانی که از احکام خدا سرپیچند آنها به حقیقت ستمکارند.

در این آیه خدای متعال اصول اخلاقی طلاق را بیان می کند و می فرماید؛ شوهران اگر قصد طلاق همسر خود را دارند باید با نیکی از آنها جدا شوند، منظور از جدا شدن توأم با احسان و نیکی، این است که حقوق آن زن را پردازد و بعد از جدایی، ضرر و زیانی به او نرساند و پشت سر او سخنان نامناسب نگوید، و مردم را به او بدبین نسازد، و امکان ازدواج مجدد را از او نگیرد.

بنابراین همانگونه که نگاهداری زن و آشتی کردن باید با معروف و نیکی و صفا و صمیمیت همراه باشد، جدایی نیز باید توأم با احسان گردد.

به این خاطر در ادامه آیه می‌فرماید: «برای شما حلال نیست که چیزی را از آنچه به آنها داده‌اید پس بگیرید.» (وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا)

بنابراین، شوهر نمی‌تواند هنگام جدایی چیزی را که به عنوان مهر به زن داده است باز پس گیرد و این يك مصداق جدایی بر پایه احسان است.

بعضی از مفسران مفهوم این جمله را وسیع‌تر از «مهر» دانسته و گفته‌اند چیزهای دیگری را که به او بخشیده است نیز باز پس نمی‌گیرد.

جالب توجه این که در مورد رجوع و آشتی همان طور که در آیه ملاحظه می‌فرمایید تعبیر به معروف شده؛ یعنی کاری که در عرف ناپسند نباشد، ولی در مورد جدایی تعبیر به احسان آمده است که چیزی بالاتر از معروف است، تا مرارت و تلخی جدایی را برای زن به این وسیله جبران نماید. (شیرازی، ۲:

۱۶۸)

برای این که طلاق به ضرر زن است و یکی از مزایای زندگی زن را که همان زندگی زناشویی است از او سلب می‌کند، اسلام خواست تا زنان از دو سو خسارت نبینند. (طباطبایی، ۲: ۳۵۱) طلاق اگر با احسان و نیکی به زن و پرداخت همه حقوق او بر مبنای صحیح مقبول همراه باشد، زمینه ازدواج مجدد و شروع زندگی متعادل-تری برای هر یک از زن و مرد بهتر فراهم خواهد شد. (سالاری فر، ۱۶۴)

۴،۱. پرهیز از دشنام و ناسزاگویی

از جمله رفتارهای غیر اخلاقی که ممکن است برخی از زوجین مرتکب آن شوند، دشنام‌گویی به طرف مقابل در هنگام اختلاف است که در منابع اسلامی نکوهش شده است.

پیامبر اکرم ۹ می‌فرماید:

«إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تَكَرَّرَ مُجَالَسَتُهُ لِفُحْشِهِ؛ همانا یکی از بدترین بندگان خدا کسی است که به

دلیل فحاش بودنش، دیگران همنشینی با او را ناخوش دارند.» (کلینی، ۲: ۳۲۵)

دشنام باعث ایجاد دشمنی می‌شود. رسول خدا ۹ در این زمینه فرموده است:

«لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْسِبُوا الْعَدَاوَةَ مِنْهُمْ؛ به مردم ناسزا نگوئید؛ چراکه این کار باعث دشمنی آنها با شما

می‌شود.» (کلینی، ۴: ۸۹)

این روایت مردم را از دشنام نهی می کند به طریق اولی دشنام به همسر مذموم شمرده شده است، همسر بد زبان زندگی را ناگوار می کند؛ چنان که امام صادق ۷ فرمودند:

«ثَلَاثَةٌ تُكَدِّرُ الْعَيْشَ: السُّلْطَانُ الْجَائِرُ، وَ الْجَارُ السُّوْءُ، وَ الْمَرَأَةُ الْبَذِيَّةُ؛ سه چیز زندگی را تیره و تار می گرداند: حاکم ستمگر، همسایه بد و زن بد دهان و فحاش.» (حرانی، ۳۲۰)

بنابراین هنگامی که جرقه اختلاف بین زن و شوهر روشن می شود نباید زوجین فضای خانه را با دشنام و ناسزاگویی آلوده کنند این کار نه تنها اختلاف را حل نمی کند بلکه موجب تزیاد آن می شود و کینه و نفرت ایجاد می کند؛ همچنین با این رفتار حرمت خود را نزد فرزندان و دیگران از دست خواهند داد.

۵.۱. پرهیز از استهزا و مسخره کردن

یکی دیگر از اصولی که زوجین باید رعایت کنند عدم مسخره کردن یکدیگر است قرآن کریم به شدت از این عمل نهی می کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ، وَلَا تَبَاهُزُوا بِاللُّقَابِ، بئسَ الاسمُ الفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ، وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.» [حجرات ۴۹: ۱۱] ای کسانی که ایمان آورده اید، نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند؛ و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند؛ و یکدیگر را مورد طعن و عیب جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید. بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان آوردنش، نام کفر آمیز بگذارید؛ و آنها که توبه نکنند ظالم و ستمگرند.

طبق این آیه، یک اصل مهم که باید دو مسلمان درباره یکدیگر اجرا کنند، «احترام به شخصیت فرد فرد مسلمانان» است و بنا بر این اصل، نباید یکدیگر را مسخره و عواطف یکدیگر را از این طریق جریحه دار کنند. (حیدری، ۱۲۶)

زن و شوهری که در آستانه طلاق هستند و از رفتارهای هم آزرده خاطر هستند در نزد اقوام همسر و اقوام خود و همچنین دیگران، نمی توانند همسر خود را مورد تمسخر قرار دهند؛ در روایات بسیاری، مسخره کردن و طعنه زدن به دیگران نکوهش شده و از آن منع گردیده است؛ برای نمونه، به فرمایش

امام باقر ۷ متوسل می-شویم:

«مَا مِنْ إِنْسَانٍ يَطْعُنُ فِي عَيْنِ مُؤْمِنٍ إِلَّا مَاتَ بِشَرِّ مِيتَةٍ وَكَانَ قَمِنًا أَنْ لَا يَرْجَعَ إِلَى خَيْرٍ؛ هَيْجَ كَسِ مُؤْمِنِي رَا مُورِد طَعْنٍ وَ سِرْكَوْفَتَ قَرَار نَدَهْد، مَگر اینكه به بدترین مرگ ها بمیرد و سزاوار است كه به خیر و صلاح باز نگردد.» (كلینی، ۲: ۳۶۱)

۶.۱. پرهیز از دروغ گویی و کتمان کاری

بنیان خانواده بر پایه صداقت استوار است بدین روی از جمله اصولی كه زوجین باید رعایت كنند صداقت و راستگویی است، صداقت در روایات خیلی سفارش شده است، پیامبر اکرم ۹ ضمانت کرده است شخصی كه دروغ را ترك كند جایگاه اش بهشت است؛ در این راستا رسول خدا ۹ فرمودند: «من ضامن خانه‌ای در اطراف بهشت و خانه‌ای در وسط بهشت و خانه‌ای در بالای بهشت هستم برای کسی كه جدال را ترك كند اگر چه بر حق باشد و برای کسی كه دروغ را ترك كند اگر چه از روی شوخی باشد و برای کسی كه اخلاق خوب داشته باشد.» (ابن بابویه، ۱: ۲۱۹)

زوجین تا آخرین لحظه ای كه با هم زندگی می كنند باید صادق باشند زمانی كه زوجین به هر دلیلی، دیگر قادر به ادامه زندگی مشترك نبودند و با درخواست طلاق كار به دادگاه كشیده شد زوج و زوجه باید واقعیت را بیان كنند و كتمان کاری نكنند تا این كه قاضی بتواند حكم صحیح را صادر كند از این روزوجین برای نفع خود یا اینکه ضرر را از خود دور كنند نمی توانند دروغ بگویند، مثلاً زوج برای اینکه مهریه را پرداخت نكند نمی تواند مشكل را طوری بیان كند كه زوجه مقصر جلوه داده شود، اگر زوج چنین کاری انجام دهد منافق است.

از امام صادق ۷ روایت شده است كه آن حضرت فرمود: سه خصلت است كه در هر كس باشد او منافق است اگر چه روزه بگیرد و نماز بخواند: کسی كه وقتی سخن می گوید دروغ بگوید و کسی كه چون وعده می دهد تخلف كند و کسی كه وقتی امانتی به او داده شد خیانت كند. (مستغفری، ۱۶۴)

شخصی كه دروغ می گوید نه تنها مردم به او نگاه تحقیر آمیز می كنند بلکه خشم خدا و دشمنی فرشتگان را هم به دنبال دارد. در این باره حضرت علی ۷ می فرماید: «يَكْتَسِبُ الْكَاذِبُ بَكْذِبِهِ ثَلَاثًا، سَخَطَ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَ اسْتِهَانَةَ النَّاسِ بِهِ، وَ مَقْتِ الْمَلَائِكَةِ لَهُ؛ دروغگو با دروغگویی خود سه چیز را

بدست می آورد: خشم خدا را نسبت به خود، نگاه تحقیر آمیز مردم را نسبت به خود و دشمنی فرستگان را نسبت به خود.» (خوانساری، ۴۸۱)

در روایت دیگری امام صادق ۷ راستگویی و امانت را نشانه ایمان می دانند و می فرمایند: «لَا تَنْظُرُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ اِعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ لِذَلِكَ وَ لَكِنْ اَنْظُرُوا إِلَى صِدْقِ حَدِيثِهِ وَ اَدَاءِ اَمَانَتِهِ.» (کلینی، ۲: ۱۰۴)

یعنی نگاه به رکوع و سجود طولانی افراد نکنید؛ چرا که ممکن است عادت آنها باشد، به طوری که اگر آن را ترک کنند، ناراحت شوند، بلکه نگاه به راستگویی و امانت داری آنها کنید.

ذکر راستگویی و امانت داری با یکدیگر، به خاطر این است که ریشه مشترکی دارند. زیرا راستگویی چیزی جز امانت در سخن نیست و امانت داری نیز چیزی جز راستی در عمل نیست. (کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنات اصفهان؛ ۲: ۳۶۱)

پرهیز از جر بحث و منازعات لفظی در مقابل فرزندان وجود امنیت در زندگی انسانی - به طور کلی - و در زندگی خانوادگی - به طور ویژه - نیازی است اساسی و اولی، و بدون آن زندگی، رنگ انسانی ندارد، و پیامدهای آسیب زای جدی در پی دارد.

خداوند در توجّه دادن به نیازهای اولیه انسان فرموده است: «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ أَمَتَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» [قریش ۱۰۶: ۴] اوست کسی که آنان را از نظر معیشت تأمین کرد و از ترس امانشان داد.

انسان به خصوص در سال های نخستین زندگی نیازمند فضایی امن و روابطی امنیت آفرین است تا با اعتماد به نفس و استوار بار آید.

از این رو پدر و مادر وظیفه دارند که فضای امن و به دور از کشاکش و درگیری و مشاجره، و رفاه لازم را برای فرزندان - در حدّ توان - فراهم آورند، و به عدالت و به دور از تبعیض با آنان رفتار کنند، و زمینه تربیت ایشان را مهیا سازند. (دلشاد تهرانی، ۱۴۰)

امام صادق ۷ فرموده است:

«ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ طَرًّا إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخَصْبُ.» (حکیمی، ۶۲۱)

سه چیز است که همه مردمان به آن نیاز دارند، امنیت، عدالت و فراوانی.

بنابراین زوجینی که بین آنها درگیری و اختلاف ایجاد شده و در آستانه ی طلاق هستند حق ندارند فضای خانه را مشوش کنند که فرزند احساس ناامنی کند والدین باید وظیفه خود را در مقابل فرزند نادیده نگیرند اختلاف آنها به معنای ضایع کردن حق فرزندشان نیست از این رو والدین باید سعی کنند در مقابل فرزندان جر و بحث لفظی نداشته باشند؛ زیرا آسیب های جبران ناپذیری از قبیل مشکلات عاطفی، اجتماعی و اقتصادی برای فرزندان در پی خواهد داشت.

۲. اصول اخلاقی زوجین بعد از طلاق

۱،۲. وفای به عهد

یکی از مهمترین اصول ضروری و شایسته ی هر مسلمانی وفای به عهد است. قرآن کریم به صراحت دستور می دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» [مائده ۵: ۱] ای کسانی که ایمان آورده اید، به پیمان های خود وفادار باشید.

با توجه به این که (الْعُقُود) به اصطلاح ادبی (جمع محلی به ال) می باشد و افاده عموم می کند؛ یعنی شامل همه پیمان ها اعم از الهی، انسانی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و ... می شود، مفهوم بسیار وسیعی دارد که ناظر به تمام جنبه های اعتقادی و عملی زندگی انسان است. (محمدی)

از این رو زوجینی که از یکدیگر جدا شده اند باید به پیمان هایی که بسته اند وفا کنند، از جمله این که زوج از پرداخت مهریه ناتوان بوده است لذا قاضی مهریه را برای او قسط بندی کرده است؛ پس زوج باید هر ماه به وعده خود عمل کند یا اینکه فرزندان به یکی از والدین داده شده است طی قراردادی که زوجین برای ملاقات فرزندشان گذاشته اند باید به پیمان خود عمل کنند و اجازه ی ملاقات با فرزندان را به طرف مقابل بدهد. وفای به عهد از شرایط اساسی ایمان است چنان که رسول اکرم ۹ می فرماید:

(لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ) (پاینده ۶۷۶)

آن کس که به پیمانش وفادار نیست، دین ندارد.

۲،۲. مهرورزی به فرزندان

فرزندان امانت الهی و نعمت و نشانه های خدا هستند که خدای متعال می فرماید: «...وَجَعَلَ لَكُم مِّن

أَزْوَاجَكُمْ بَيْنَ وَ حَفَدَةً...» [نحل ۱۶: ۷۲] و از همسرانتان برای شما فرزندان قرار داد تا زینت و وسیله شادی شما باشند؛ از این رو والدین باید در تربیت فرزند، تمام سعی و تلاش خود را به کار گیرند؛ یکی از عوامل مهم تربیت و رشد فرزند، محبت است.

محبت و ابراز عواطف پدر و مادر، می تواند بسیاری از مشکلات و ناسازگاری ها به خصوص مشکلات ناشی از طلاق را حل کند و موجب الفت و دوستی آنان گردد.

اظهار محبت و ابراز آن به دو صورت باید انجام گیرد: یکی ابراز محبت عملی که در برخورد ملایم و محبت آمیز فرد نمایان می شود و بدین گونه فرزند، محبت والدین نسبت به خود را از رفتار آن ها درمی یابد.

دیگری ابراز محبت زبانی و گفتاری که نقش ویژه ای در تحکیم روابط فرزند و والدین دارد. (منتظری) اسلام تأکید می کند والدین حتی پس از طلاق وظایف خود را نسبت به فرزندان رعایت کنند با طلاق روابط زوجین تمام و با یکدیگر نامحرم می شوند اما نسبت آنها با فرزندان همچنان برقرار است لذا باید فرزند را از عواطف و محبت خود محروم نکنند، یکی از مصادیق محبت، بوسیدن فرزند است. امام صادق ۷ فرمود:

«اَكْثَرُوا مِنْ قُبْلَةٍ اَوْلَادِكُمْ فَاِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ» (عاملی، ۴۸۶)

کودکانتان را بسیار ببوسید، زیرا برای شما در برابر هر بوسه، درجه ای در بهشت است.

۳.۲. توجه به نیاز های خانواده

تأمین نیاز خانواده از اصول اخلاقی است که مرد وظیفه دارد تا حد توان خود برای زن و فرزندان فراهم کند. خانواده ای که با طلاق از هم پاشیده شده است،

نیاز های همچون نیاز مالی، نیاز به وجود فرزند و ... دارد، مرد باید به این نیازها توجه کند؛ خدای متعال می فرماید: «... وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ...» [بقره ۲: ۲۳۳] علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می فرماید: حق حضانت و شیر دادن و نظیر آن مال همسر است، پس شوهر نمی تواند به زور میان مادر و طفل جدایی بیندازد و یا از اینکه مادر فرزند خود را ببیند و یا مثلاً ببوسد و یا در آغوش بگیرد جلوگیری کند، برای این که زن نیاز دارد با فرزندش باشد اگر شوهر مانع از

این کار شود مصداق روشن مضاره و حرج بر زن است.

زن نیز نمی‌تواند در مورد بچه شوهر، به شوهر مضاره و حرج وارد آورد؛ مثلاً نگذارد پدر فرزند خود را ببیند، و از این قبیل ناراحتی‌ها فراهم کند. (طباطبایی، ۳۶۱)

همان‌طور که اشاره شد یکی از نیازهایی که مرد باید به آن توجه کند نیاز مالی است، وقتی زوج همسر خود را طلاق می‌دهد اسلام تأکید دارد که مرد تا تمام شدن عده زن را در منزل خود نگهداری کند لازمه نگهداشتن، توجه به خوراک و پوشاک و مسکن وی است چنان‌که خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «فَأَمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ» بنابراین اگر مرد بخواهد همسر خود را نگهدارد، ولی اصول اخلاقی را رعایت نکند و او را مورد اذیت و آزار قرار دهد، امساک به معروف نخواهد بود.

۴,۲. بدگویی نکردن از همسر

یکی دیگر از اصولی که زوجین بعد از طلاق باید رعایت کنند این است که زن یا مرد از همسر خود نزد فرزندان و دیگران بدگویی نکنند، بدگویی از شخص غائب، مانند حمله کردن به مرده و ضرر زدن به جسم و بدن او است که کمترین قدرتی برای دفاع از خود نخواهد داشت. بدگویی کردن می‌تواند عوامل متعددی داشته باشد مثلاً زوج یا زوجه می‌بیند که طرف مقابل برای ازدواج با شخص دیگری از او طلاق گرفته، حسد می‌ورزد مجبور به غیبت کردن می‌شود یا از روی خشم و غیظی که دارد و می‌خواهد با غیبت جوش خود را تسکین بدهد مرتکب این عمل زشت می‌شود. (امام صادق؛ ۲۰۶)

طلاق به هر دلیلی که رخ داده باشد مجوز غیبت و بدگویی کردن را نمی‌دهد این از آیات و روایاتی که در این زمینه بیان شده است، بدست می‌آید.

در سوره حجرات می‌خوانیم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ» [حجرات ۴۹: ۱۲] ای گروه گرویدگان دوری کنید بسیاری از گمان را که بدرستی که بسیاری از گمان گناه است و مجوئید و باید که غیبت نکنند بعضی از شما بعضی را آیا دوست میدارید یکی از شما که بخورد گوشت برادر خود را در حالی که او مرده باشد پس زشت میدارید آن را از خدا بترسید.

امام صادق فرمود: پیامبر اکرم ۹ فرموده است: «مسلمان برادر مسلمان می‌باشد، نه به او خیانت می‌کند

و نه سبب ذلت او می گردد و نه از او عیب جویی می کند و نه محرومش می نماید و نه غیبت و بد گویی او می کند.» (اهوازی ۸۷)

۵.۲. مقصر جلوه ندادن طرف مقابل برای فرزندان

برخی از زوجین در پاسخ فرزندانی که می پرسند چرا از هم جدا شدید سعی می کنند طرف مقابل را مقصر و خود را بی گناه جلوه دهند، در حالی در اکثر طلاق هایی که رخ می دهد هر دو طرف مقصر هستند از این رو برای اینکه بخواهند جایگاه خود را در نزد فرزندان حفظ کنند قضیه را این طور بیان می کنند، این نوع نگاه یعنی خود را بی گناه دانستن و طرف مقابل را خطاکار دانستن، منشا مشکلات است اگر یکی از زوجین در اولین جرقه های اختلاف کوتاه می آمد کار به طلاق کشیده نمی شد و حال آن که بعد از طلاق اصلاً کوتاه نیامده و طرف مقابل را صد درصد مقصر جلوه می دهد؛ بنابراین یکی دیگر از اصولی که زوجین باید رعایت کنند مقصر جلوه ندادن طرف مقابل است.

نتیجه گیری

آخرین شیوه برخورد با مشکلات خانوادگی، جدایی رسمی زن و شوهر یا طلاق است. دین اسلام توصیه می کند زوجین اصول اخلاقی در حین و بعد از طلاق را رعایت کنند و طلاق همراه احسان و نیکی به زن باشد.

اگر احسان و نیکی به زن و پرداخت همه ی حقوق او بر مبنای صحیح و مقبول همراه باشد، زمینه ی ازدواج مجدد و شروع زندگی متعادل تری برای هریک از زن و مرد بهتر فراهم خواهد شد. طلاق به هر دلیل آثار روانی مخربی بر اعضای خانواده به ویژه فرزندان دارد از این رو اگر والدین به مسئولیتشان نسبت به فرزندان پس از طلاق توجه کنند تا حدی مشکلات فرزندان می تواند تقلیل یابد.

کتابنامه

-
- دلشاد تهرانی، مصطفی. سیره نبوی «منطق عملی». تهران: دریا، ۱۳۸۳.
- ابن بابویه، محمد. الخصال. ۱. قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۲.
- کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنات اصفهان. سیری در سپهر قرآن. جلد ۲. قم: صحیفه خرد، ۱۳۸۹.
- امام صادق. مصباح الشریعة. مترجم حسن مصطفوی. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰.
- اهوازی، حسین بن سعید کوفی. مؤمن کیست؟ وظیفه اش چیست؟. قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۶.
- پاینده، ابو القاسم. نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲.
- حرانی، حسن بن علی ابن شعبه. تحف العقول. قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
- حکیمی، محمد رضا. الحیاة. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
- حیدری، مجتبی. دینداری و رضامندی خانوادگی. قم: موسسه آموزشی امام خمینی، ۱۳۸۷.
- خوانساری، محمد بن حسین آقا جمال. شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- دیلمی، حسن بن محمد. ارشاد القلوب دیلمی. مترجم هدایت الله مسترحمی. تهران: کتاب فروشی بوذرجمه‌وری مصطفوی، ۱۳۷۱.
- مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- طباطبایی، محمد حسین. ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
- عاملی، محمد بن حسن حر. وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹.
- سالاری فر، محمد رضا. خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. جلد ۲. تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۴۰۷.

- محمدی، محمد مقدس نیا، محمد مهدی. آداب معاشرت. مرکز تحقیقاتی اسلامی سپاه، ۱۳۷۷.
- مستغفری، جعفر؛. روش تندرستی در اسلام. ۳. قم: مومنین، ۱۳۸۱.
- منتظری، علیرضا فاخری، محمد حسین. اخلاق خانواده. مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۸.